پشت بوم

جشنواره‌های فجر، حکایت دویدن و نرسیدن

حسین عبدالهاشم‌پور

● درحالی‌که پس از پایان جنگ تحمیلی، رویکرد سیاست‌گذاری‌های کلان کشور بر مبنای واگذاری امور دولت به بخش خصوصی است و حتی امور حساسی مثل نفت و مخابرات هم به بخش خصوصی سپرده شده‌اند (کم‌وکیف آن موضوع این بحث نیست)، اصرار بر دولتی‌ماندن جشنواره‌های فجر سؤال‌برانگیز است.

۱_ جشنواره‌های فجر جز نقد هیچ آورده دیگری برای دولت‌ها دربر ندارد؛ بنابراین تأکید بر برپایی آنها به شکل دولتی تعجب آور است! دوستی، جشنواره‌های فجر را با مجلس عروسی مقایسه می‌کرد که مجلل‌ترینش هم موجبات دل‌آزاری چند نفری از اقوام و دوستان را فراهم می‌کند؛ پس چه ضرورتی دارد دولت فاعل دل‌آزاری این یا آن هنرمند جلوه کند؟ جالب است در جشنواره‌های فجر باب شده هنرمند جایزه‌گرفته گلایه کند چرا به دیگر همکارانش جایزه نداده‌اند و در دل همان مراسم زمزمه‌هاست که دست‌هایی در کار بوده به فلانی جایزه ندهند؛ از پوستر تا بی‌نظمی صف پشت درِ سالن‌ها و کیفیت خورشت پذیرایی و نیز کل فیلم‌ها... سوژه است و همه معیار سنجش توانایی مدیران دولت! به‌تازگی هم تعداد سیگاری که هنرمندان در اثر هنری دود می‌فرمایند هم به این فهرستگان افزوده شده است؛ درواقع جشنواره‌های فجر که قرار است فصل همدلی باشد، به‌سبب حضور غیرضروری دولت‌ها به فصل جذب حداقلی و دفع حداکثری بدل شده و دولت ناخواسته یا خواسته به یک طرف دعوا بدل می‌شود.

۲-تغییرات مستمر دولت‌ها سبب شده جشنواره‌های فجر فاقد هویت و به‌اصطلاح امروزی‌ها فاقد بارکد باشد؛ جشنواره‌هایی که سه دهه است برگزار می‌شوند اما برندی بین‌المللی نیستند و در خوشبینانه‌ترین حالت، هر دو سال با یک زلزله چند ریشتری زیروزبر می‌شوند، چون مدیر دولتی عوض شده یا مصلحت‌های دولت تغییر رویکرد داده است؛ گاه تطبیق جشنواره‌های فجر با روحیات دولت، دل‌خواسته دولتمردان هم نبوده؛ اما با گذشت زمان روشن می‌شود چنین اتفاقی رخ داده و ازهمین‌رو، این رویدادها دمدمی‌مزاج و بدون خطوربط مدون جلوه می‌کنند.

۳_گفته می‌شود در جشنواره موسیقی فجر که این روزها در میانه برگزاری‌اش هستیم، گام‌هایی در جهت نقش‌آفرینی بخش خصوصی برداشته شده است؛ اما مقصود این متن واگذاری صددرصدی مسئولیت‌های اجرائی دولت ازجمله جشنواره‌های فجر به بخش خصوصی است؛ در دولت تدبیر و امید که رئیس‌جمهورش تأکید دارد امور هنر را باید به دست هنرمندان سپرد فرصت طلایی این مهم است؛ وزارت فرهنگ باید با نهادسازی یا تقویت صنوف هنری، زمینه این تحول بزرگ را فراهم آورد و خیال همه دولت‌های آینده و البته جامعه هنری را راحت کند.

زیر آسمان فیروزه ای

امیر کاستاریکا رئیس هیأت داوران شانگهای

● کارگردان سرشناس بوسنیایی برای ریاست گروه داوری یکی از پرمخاطب‌ترین جشنواره‌های آسیایی انتخاب شد. امیر کاستاریکا، فیلم‌ساز بوسنیایی، به‌عنوان رئیس گروه داوران برای انتخاب برنده جایزه جام طلای جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای انتخاب شد. این جشنواره از ۱۱ تا ۱۹ ژوئن برگزار می‌شود. کاستاریکا نخل طلای کن را دوبار به خانه برده که یکی برای «وقتی بابا برای مأموریت رفته بود» در سال ۱۹۸۵ و بار دیگر برای «زیر زمین» در سال ۱۹۹۵ بود. جشنواره امسال شانگهای همچنین برنامه ویژه‌ای برای نمایش آثار شکسپیر برگزار می‌کند که با همکاری مؤسسه فیلم بریتانیا و شورای بریتانیا ترتیب داده شده است. ایان مک‌کلن نیز در این جشنواره و در نشستی که ۱۲ ژوئن برای بحث و بررسی فیلم «ریچارد سوم»، ساخته سال ۱۹۹۵ ترتیب داده شده، شرکت می‌کند. این فیلم را ریچارد لانکرین کارگردانی کرده است.

منتقدان اروپایی از «لانتوری» استقبال کردند

«بانی و کلاید»های تهرانی در برلین

عکس: نوشین جعفری

آرش مدرسی، خبرنگار شرق، برلین: سالن هفتم «سینما ایکس» که یکی از بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین تالارهای جشنواره امسال است، یکشنبه‌شب جای سوزن‌انداختن نداشت: «لانتوری»، سومین ساخته رضا درمیشیان که یک سیمرغ فنی هم از آن خود کرده، با حضور کارگردان و بازیگرانی همچون باران کوثری و نوید محمدزاده، انتظارهای زیادی آفریده بود: از ایرانیانی که آمده بودند این ساخته کارگردان خوش‌فکر و جوان را ببینند تا کسانی که به‌خاطر نام سینمای ایران، در سالن حضور داشتند.

«لانتوری»، پس از «بغض» و «عصبانی نیستم» سومین ساخته درمیشیان است و دیگر کار سختی نیست که ردپای سبک او را در کارهایش ببینیم: ریتم تند داستانی با شیوه روایی غیرکلاسیک، جامپ‌کات‌های متعدد و پرش‌های تصویری، انتقادهای اجتماعی پررنگ که به شیوه‌ای کم‌وبیش دایداکتیک بیان می‌شوند. «لانتوری» سبک روایت مستندوار (مصاحبه دوربین با کاراکترها به سبک فیلم‌های مستند) را هم به این معجون اضافه کرده بود. نقطه قوت درمیشیان تابه‌حال ارائه کاراکترهای قوی سینمایی از دنیای جرم و جنایت بوده است. این نوع کاراکترسازی را بعضی از بهترین‌های تاریخ سینما نیز انجام داده‌اند و این درمیشیان را وارث سنت بزرگی می‌کند. آمیختن این کاراکترسازی با نقد اجتماعی، از مشخصه‌های کارهای درمیشیان بوده است، اما جایی که «لانتوری» شکست می‌خورد، موفق‌نبودن درآمیختن این دو بخش به هم است؛ انتقادی که به نظر می‌رسید بسیاری از منتقدان حاضر در برلین به آن وارد می‌دانستند.

«لانتوری» نام باند خلافکاری است که بار دیگر چهره «مرد عصبانی» آشنای فیلم‌های درمیشیان را با بازی درخشان نوید محمدزاده در صدر خود دارد. حضور مجدد باران کوثری که به همراه محمدزاده، بنیان‌گذار این باند هستند، همچنین گرایش ضدپولداری و هدفمندی اجتماعی آنها باعث می‌شود در نیمه اول فیلم این باند را دوست داشته باشیم و حتی شاید امیدوار به ظهور «بانی و کلاید» تهرانی باشیم - اما راهی که داستان فیلم در نیمه دوم طی می‌کند و واردشدن به ماجرای اسیدپاشی که در سال گذشته یکی از داغ‌ترین موضوعات اجتماعی کشورمان بود، چنان غیرمنتظره است که برای بیننده به همان آزاردهندگی تصاویر متعدد و از نزدیک صورت اسیدخورده و سایر تصاویر تکان‌دهنده باشد. جای تأسف دارد که این الحاق اجباری، پتانسیل «لانتوری» را خراب کرده است.

بااین‌حال سینمای درمیشیان همچنان آن‌قدر جذابیت دارد که بتوانیم حدس بزنیم منتقدان اروپایی با احترام از آن یاد کنند.

سینمای ایران اما اگر قدرتی شناخته‌شده است که همه به دنبالش می‌گردند، کشور همسایه ما، عربستان سعودی، هنوز در این زمینه بسیار عقب‌مانده است. اما اینکه کشوری که حتی یک سالن سینما ندارد موفق شده فیلمی به برلین بفرستد که بسیاری از آن صحبت می‌کنند و جزء تحسین‌شده‌هاست، بی‌شک دستاورد کمی نیست.

«برکت با برکت آشنا می‌شود»، ساخته محمود صباغ، یک کمدی دوست‌داشتنی است که قهرمان‌های آن یک کارمند شهرداری است که بازیگر نیمه‌وقت تئاتر شده و مانکنی که صفحه‌ای محبوب در اینستاگرام دارد (این دومی با بازی شیرین فاطمه البناوی، شخصیت «بیبی» را دوست‌داشتنی می‌کند). داستان بسته‌شدن فضای عمومی، عقب‌رفتن فرهنگ و هنر و عروج افراط‌گرایی در کشورهای عربی مانند مصر و عراق، داستان آشنایی است، اما این داستان را درباره عربستان کم‌تر شنیده‌ایم. حالا این یأس تاریخی از وضعیت غریبی که عربستان خود را در آن می‌یابد؛ وضعیتی که در آن افراط‌گرایان، سلبریتی‌های اینترنتی‌اند، اما حتی سینماهای زیرزمینی و غیرقانونی هم تعطیل شده‌اند و مجالی به نفس‌کشیدن جوانان و هنرمندان داده نمی‌شود، باعث می شود در یک جریان رمانتیک، کمدی بامزه‌ای درباره تلاش این دو برای برقراری رابطه بیان شود. اگر وضع عربستان را بدانیم شجاعت فیلم‌سازان برای ساختن فیلمی این‌چنین را بیشتر درک می کنیم؛ به‌ویژه اینکه تمام فیلم نیز در خاک عربستان فیلم‌برداری و ساخته شده است. مشکلات فیلم‌نامه‌ای، استفاده گاه‌به‌گاه از کلیشه‌ها برای پیش‌بردن روایت و گاه موقعیت‌های کمیکی که آن‌قدرها هم خنده‌دار نیستند، از مشکلاتی است که انتظارکشیدن‌شان طبیعی است.

در روز پنجم جشنواره، از سه فیلم دیگر بخش مسابقه رونمایی می‌شود: «مرگ در سارایوو»، «تنها در برلین» و «چانگ جیانگ تو» (چین) که تا زمان زیرچاپ‌رفتن این خطوط، فقط اولی پخش شده است. «مرگ در سارایوو»، ساخته دانیس تانوویچ بوسنیایی، بار دیگر نشان از والایی سینما در بوسنی- هرزگوین دارد، کشوری که برای کنارآمدن با وضعیت تاریخی خود حالاحالاها وقت می‌خواهد (و به نظر می‌رسد سینماگران در دیالوگ تاریخی این کشور نقش مهمی داشته باشند). داستان این فیلم به صدمین سالگرد ترور ولیعهد اتریش- مجارستان در سارایوو باز می‌گردد: هتلی در این شهر که حالا پایتخت بوسنی- هرزگوین است، میزبان اجلاسی با حضور میهمانان عالی‌رتبه اروپایی است، گروهی مشغول تهیه برنامه‌های تلویزیونی برای پوشش این واقعه تاریخی هستند و کارگران هتل درگیر با مشکلات زندگی خود و البته درصدد استفاده از این موقعیت برای جلب توجه‌ها.

روایت جذاب فیلم در پیش‌زمینه هتلی که با دالان‌های تودرتوی بسیار، لوکیشنی عالی ارائه می‌کند (تمام فیلم در هتل می‌گذرد) و ریتم خوب آن، «مرگ در سارایوو» را یکی از بهترین‌های برلین تا این لحظه کرده است. رابطه پرتنش و پویایی که بین روزنامه‌نگار بوسنیایی و جوان صربی که از نوادگان تروریست سال ۱۹۱۴ است وجود دارد، بدون شک از به‌یادماندنی‌های تاریخ سینمای بالکان خواهد شد. از دیگر نکات درخور توجه فیلم، قابلیت ارائه اطلاعات و گفتمان‌های تاریخی در دل داستان فیلم است. اما پایان تنبل‌وار و غیرجسورانه «مرگ در سارایوو» باعث می‌شود آن‌را مدعی جدی خرس طلایی ندانیم. دقایق پایانی فیلم، بعضی شخصیت‌ها را بیش از آنچه جایز است، مبهم می‌کند؛ تاریک و غیرقهرمان‌بودن تقریبا تمام شخصیت‌های فیلم را البته می‌توان بروز واقعیتی وسیع‌تر از فیلم دانست.

در کنار جشنواره، «بازار فیلم اروپا» نیز روزهای داغی را تجربه می‌کند و توجه‌ها به سینمای ایران هم کم نیست. خبرنگار «شرق» به خبری اختصاصی در این زمینه دست یافته است که در روزهای آینده منتشر می‌شود. همچنین در روزهای آینده منتظر گفت‌وگوهای اختصاصی ما با سینماگران حاضر در برلین باشید.

«ازگوربرخاسته» جوایز «بفتا» را درو کرد

عکس: Gettyimages

شرق: فیلم «ازگوربرخاسته» اثر آلخاندرو گونزالز ایناریتو با دریافت پنج جایزه بیشترین جوایز بفتای ۲۰۱۶ را به خود اختصاص داد.

مراسم اهدای جوایز این دوره بفتا (آکادمی هنرهای سینمایی و تلویزیونی بریتانیا) یکشنبه شب برگزار شد و فیلم «ازگوربرخاسته» که نامزد هشت بخش شده بود، با گرفتن جایزه در پنج بخش، شامل بهترین فیلم، کارگردانی و بازیگر مرد نقش اول، بهترین صدابرداری و بهترین فیلم‌برداری از دیگر رقبا پیشی گرفت.

«ازگوربرخاسته» از روی رمانی به همین نام و توضیح اینکه رمانی درباره یک انتقام است، نوشته مایکل پانکی، ساخته شده است. داستان فیلم، در سال ۱۸۲۳ و در کوهستان‌های راکی می‌گذرد. هیو گلَس (با بازی لئوناردو دی‌کاپریو) شکارچی باتجربه که بیشتر عمرش را در کوهستان‌ها سپری کرده، همراه با گروهی راهی شکار می‌شود. یک خرس گریزلی به گلس حمله می‌کند و هم‌گروهی‌هایش او را رها می‌کنند. حال او بدون داشتن اسلحه، با بدنی سرتاسر زخمی و خون‌آلود و نفسی به خس‌خس افتاده به حال خود وامانده است و باید به دنبال غذا و جایی برای ماندن باشد. سرمای بی‌امان نیز در این میان تهدیدی مضاعف برای ستاندن جان اوست. گلس اما به‌آرامی و با مشقت از این شرایط دشوار و ماورای تحمل انسانی، جان سالم به در می‌برد. بااین‌حال از پا نمی‌نشیند و راهی گرفتن انتقام می‌شود.

فروش جهانی فیلم که با بودجه‌ای ۱۳۵ میلیون دلاری ساخته شده، مرز ۳۰۰ میلیون دلار را پشت سر گذاشته است.

آلخاندرو گونزالز ایناریتو، کارگردان «ازگوربرخاسته» که جایزه بهترین کارگردانی را از آن خود کرد، پس از دریافت جایزه‌اش از دی‌کاپریو و عوامل این فیلم تقدیر کرد و افزود: «تعهد کاری آنها ساخت این فیلم در چنین شرایط سختی را میسر ساخت».

فیلم «بردمن»، اثر قبلی ایناریتو بود که در بفتای ۲۰۱۵ در ۱۰ بخش نامزد شده بود، اما توانسته بود جایزه بهترین فیلم‌برداری را بگیرد. لوبسکی فیلم‌بردار آن و فیلم «ازگوربرخاسته»، این‌بار برای همین فیلم جایزه گرفت.

جایزه بهترین بازیگر زن به بری لارسن برای «اتاق» و جایزه بهترین بازیگر زن مکمل به کیت وینسلت برای «استیو جابز» رسید. این سومین جایزه بفتا وینسلت است.

«مکس دیوانه: جاده خشم»، به کارگردانی جورج میلر هم که در هفت بخش نامزد بود، جایزه‌های بهترین طراحی لباس، طراحی صحنه، چهره‌پردازی و مو و تدوین را گرفت.

«کارول» به کارگردانی تاد هینز که با ۹ نامزدی به همراه «پل جاسوس‌ها» استیون اسپیلبرگ، پیشتاز نامزدهای جوایز بفتا امسال بود، جایزه‌ای نگرفت و فیلم اسپیلبرگ در بخش بهترین بازیگر مرد مکمل برای بازی مارک رایلنس موفق شد.

بهترین مستند برای «امی» ساخته آصیف کاپادیا و «Inside Out» بهترین انیمیشن شدند. جایزه بهترین فیلم خارجی جوایز بفتا به «داستان‌های وحشی» به کارگردانی «دامیان سیفرون» از آرژانتین رسید و «بروکلین» به کارگردانی جان کروالی جایزه بهترین فیلم انگلیسی سال رادریافت کرد.

جایزه سینمایی و تلویزیونی بریتانیا بَفتا، هر سال ازسوی آکادمی هنرهای سینمایی و تلویزیونی بریتانیا برگزار می‌شود. این جایزه معمولا به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای جایزه اسکار در نظر گرفته می‌شود. جوایز «بفتا» در کنار جوایز گلدن‌گلوب همواره محک خوبی برای اسکار بوده است و اغلب هنرپیشگانی که این جایزه را دریافت کرده‌اند، در اسکار نیز خوش درخشیده‌اند.

«مستان» با «همای» به جشنواره رسید

عکس: ایسنا

شرق: روز یکشنبه در پنجمین روز از جشنواره موسیقی فجر، «پرواز همای» اولین اجرای خود را در تاریخ جشنواره موسیقی فجر برگزار کرد. همای این کنسرت را در دو سئانس به همراه گروه «مستان» در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران روی صحنه برد.

پرواز همای به‌عنوان خواننده، سراینده، آهنگ‌ساز و رهبر گروه؛ سعید فهیمی و پاشا هنجی به‌عنوان نوازنده نی؛ اسفندیار شهمیر نوازنده نی و دف؛ محمود نوذری، نوازنده سنتور؛ مسلم علیپور، نوازنده کمانچه؛ میلاد علیپور، نوازنده تار؛ پیمان خازنی، نوازنده بم ساز؛ حمیدرضا یوسفی، نوازنده تنبک و جیمبی گروه «مستان» را برای این اجرا تشکیل می‌دادند. پرواز همای و سایر اعضای گروه «مستان» درحالی‌که هرکدام یک شاخه گل رُز زرد در دستان خود داشتند، روی صحنه آمدند و آن را به مخاطبانشان هدیه دادند. در همین لحظه هادی اسکندری، خطاط گروه، در گوشه صحنه مشغول خطاطی روی یک تابلو بود. اسکندری پشت به حاضران در سالن نشسته بود و جملات خاصی با قلم و مرکب بر تابلو می‌نوشت.

اولین قطعه‌ای که پرواز همای خواند، اثر «عاقبت ای دل» بود و پس از آن، این خواننده به حرمت مادرانی که در این سالن حضور داشتند، قطعه «مادر» را اجرا کرد. به‌نام یزدان، گمنام، بی‌کس، مه‌پاره، شب گیسوان تو، دیوانه‌تری، گرگ درون، من که میرم و عیب رندان آثار دیگری بودند که ازسوی این گروه اجرا شد.

در این کنسرت، همچنین اثر «مردم هوار» نیز ازسوی پرواز همای اجرا شد که مورد استقبال شدید طرفداران او قرار گرفت و مخاطبان کنسرت این اثر را با صدای بلند خواندند. پرواز همای در واپسین اجراهای خود، قطعه‌ای با زبان مادری خود خواند. این اثر شمالی نیز توجه حضار را به خود جلب کرد. اما آخرین اثری که ازسوی گروه مستان اجرا شد، قطعه ملی میهنی «سرزمین بی‌کران» بود.

پرواز همای شاگرد استادانی همچون فریدون پوررضا، سیدکمال‌الدین عباسی و کریم صالح‌عظیمی بوده است و در سال ۱۳۸۳ گروه «مستان» را پایه‌گذاری کرد.

همچنین ششمین روز از برگزاری سی‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر، دیروز دوشنبه با اجرای کنسرت ارکستر زهی به رهبری شهرداد روحانی، اجرای چند گروه موسیقی نواحی و چند گروه از کشورهای دیگر همراه شد.

در تالار رودکی، ساعت ۱۸:۱۵ دوئت زهی ستاره بهشتی ویولا و پانیذ فریوسفی ویولن با قطعه‌هایی از شاهین فرهت، صنم قره‌چه‌داغی، علی رادمان، هرمز فرهت، محمدرضا تفضلی، امین هنرمند، مهرداد پاکباز، علی بیرنگ را برای مخاطبان اجرا شد.

گروه «گردون» با هنرمندی شربل روحانا و آزاد میرزاپور نیز، ساعت ۲۱ تازه‌ترین کنسرت خود را برگزار کردند. در این برنامه قطعه‌های «ز حوالی نوا تا کرانه‌های صبا»، «تکنوازی بربت»، «آیوا»، «پرومس» و «کرانه‌های صبا» اجرا می‌شود. این در حالی است که بعد از پایان این کنسرت گروه «دیوانا» از راجستان کنسرت خود را در همین تالار برای علاقه‌مندان اجرا خواهد کرد.

در تالار وحدت، ساعت ۱۸:۱۵ گروه موسیقی «راز و نیاز» به سرپرستی و خوانندگی سالار عقیلی کنسرتی برگزار کرد. در ساعت ۲۱ نیز گروه «کمانه» از کشور پرتغال با هنرمندی کمانه و همراهی جوزه مانوئل نتو، کارلوس مانوئل و پائولو پاز کنسرتی در سبک موسیقی فادو این کشور را به مخاطبان ارائه داد.

در فرهنگسرای نیاوران و در بخش موسیقی نواحی، ساعت ۱۸:۱۵ گروه موسیقی «عاشیقلار میشو» از آذربایجان کنسرتی برگزار کرد. این کنسرت نیز براساس داستان‌ها و ترانه‌های قدیمی عاشیق‌های منطقه آذربایجان برگزار می‌شود که عاشیق احد ملکی همراه با یکی از عاشیق‌های مطرح به اجرای رپرتوار عاشیق‌های آذربایجان می‌پردازد. این کنسرت دربرگیرنده روایت‌های جالبی از موسیقی منطقه آذربایجان است که همچون کنسرت‌های دیگر بخش موسیقی نواحی در بخش اول پژوهشی و در بخش دوم اجرای قطعات مختلف را دربر می‌گیرد. ساعت ۲۱ هم گروه «ساحل مکران» از بلوچستان کنسرت خود را با روایت موسیقایی داستان‌های خنایی بلوچ برگزار کرد.

چهره روز

جواد مجابی به شهرکتاب می‌آید

● **شرق:** بیست‌وچهارمین نشست از سری نشست‌های دیدار با اهل قلم، چهارشنبه ۲۸ بهمن با حضور جواد مجابی در شهر کتاب مرکزی برگزار می‌شود. جواد مجابی، شاعر، نویسنده، نقاش، طنزپرداز و روزنامه‌نگار است و علاقه‌مندان به شعرها و داستان‌های او می‌توانند در این نشست با او دیدار و گفت‌وگو کنند. آخرین رمان منتشرشده مجابی، «بنفشه‌های سراشیب» است که بهار امسال از سوی انتشارات به‌نگار منتشر و روانه بازار شد؛ کتابی که در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ نوشته شده و تا پیش از این، مجوز انتشار پیدا نکرده بود. گفتنی است در مراسمی که روز چهارشنبه در شهر کتاب مرکزی برگزار می‌شود، تعدادی از نویسندگان و شاعران نیز همچون سیدعلی صالحی، اسدالله امرایی و... نیز حضور خواهند داشت. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این مراسم روز چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه، ساعت ۱۸ به شهر کتاب مرکزی به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از تقاطع مطهری، نبش کوچه کلاته مراجعه کنند.

پیشنهاد روز

کنسرتی به نفع بیماران استومی

● **شرق:** کنسرت نوروزگار در حمایت از بیماران استومی ایران برگزار می‌شود. کنسرت سه‌تار و سازهای کوبه‌ای گروه نوروزگار به نفع بیماران استومی ایران در سالن همایش‌های سازمان حفاظت از محیط‌زیست در پارک پردیسان برگزار می‌شود. این کنسرت با آهنگ‌سازی و نوازندگی محسن کبیرنژاد (سه‌تار) به همراهی ابوالفضل حیاتی (سازهای کوبه‌ای) و امیر دلبند (تنبک) با اجرای قطعاتی مانند دلگویه‌ها، سواران بی‌نشان، نوروزگار و... به روی صحنه می‌آید. کنسرت نوروزگار، روز جمعه از ساعت شش در محل سالن همایش‌های سازمان حفاظت از محیط‌زیست در پارک پردیسان تهران برگزار می‌شود و همه عواید آن به بیماران انجمن استومیت ایران اختصاص می‌یابد. بیماران استومیت، بیمارانی هستند که به دلایل مختلف ازجمله تصادفات، علل مادرزادی، ابتلا به سرطان یا بیماری‌های دیگر، امکان دفع طبیعی ندارند و به وسیله جراحی از طریق راهی که روی شکم ایجاد می‌شود عمل دفع را به صورت غیرارادی انجام می‌دهند. این بیماران باید به طور دائم کیسه‌ای را که روی شکم قرار داده می‌شود، با خود حمل کنند و متحمل تبعات دائمی این مشکل ازجمله زخم‌شدن پوست شکم و تبعات روحی شوند. اکثر این بیماران را اشخاصی با سطح درآمد پایین تشکیل می‌دهند که گاهی امکان خرید کیسه که برای آنان حکم هوا را دارد، برایشان مقدور نیست و انجمن استومی ایران چند سالی است با حمایت و همکاری تعدادی از پزشکان و خیرین به منظور رفع مشکل بیماران و خانواده‌های آنان و بهبود شرایط آنان تأسیس شده است. علاقه‌مندان می‌توانند از طریق واحد نیکوکاری انجمن خیریه استومی با شماره‌های ۰۹۱۲۲۳۸۷۶۷۸ و ۰۹۱۹۳۲۰۳۰۳۴ اقدام به تهیه بلیت کنند.

«بی‌خوابی» ۲۰ نقاش در یادمان دوسالانه دامون‌فر

● **شرق:** نمایشگاه «بی‌خوابی»، پنجمین یادمان دوسالانه نقاشی «دامون فر»، عصر جمعه ۳۰ بهمن در گالری‌های «اثر» و «اُ» افتتاح می‌شود. «سیف‌الله پویاراد»، مدیر دوسالانه نقاشی دامون‌فر با اعلام این خبر گفت: «بی‌خوابی، عنوان و تم این نمایشگاه است که آقای «پویا آریان‌پور» هنرمند صاحب اندیشه و از داوران دوره اخیر دوسالانه، ایده‌پردازی و نمایشگاه‌گردانی آن را بر عهده دارند». پویاراد گفت: «یادمان دامون‌فر به روال همیشه در سالی که دوسالانه برگزار نمی‌شود، برپا می‌شود و بالطبع این پنجمین یادمان است. هدف این یادمان‌ها معرفی بیشتر هنرمندانی است که سال‌های پیش در دوسالانه‌های دامون‌فر حضور داشته‌اند؛ در واقع نمایشگاه‌گردان هر یادمان بنا به تم و موضوعی که مدنظر دارد، جمعی از برگزیدگان یا هنرمندان شاخص را برای ارائه آثار دعوت می‌کند». او افزود: «در نمایشگاه «بی‌خوابی» ۲۰ نقاش جوان: نازنین اعوانی، فربد الکایی، عسل پیروی، نسیم تقی‌پور، سینا چوپانی، افشین چیذری، زرتشت رحیمی، سورنا زمانی، علی شایسته، ثریا شرقی، مریم صباغ‌پور، هانیه صدری، بهار علیزاد، علی کائینی، امیر کریمی، سجاد گل‌محمدی، مقداد لرپور، میلاد محمودی، امین منتظری و علیرضا نکویی حضور دارند که از هرکدام، یک یا چند اثر به روی دیوار دو گالری اثر و اُ خواهد رفت». «بی‌خوابی» عصر جمعه ۳۰ بهمن در دو گالری نامبرده آغاز به کار می‌کند و تا ۱۴ اسفند ادامه خواهد داشت.